

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۷
صفحات ۹۵ - ۱۱۳

بررسی حمله عثمانی‌ها به یمن؛ دلایل، پیامدها، و نتایج آن (۹۲۱-۹۴۵ق)

علی غلامی فیروزجائی^۱

چکیده

قرن دهم هجری برای سرزمین‌های اسلامی، از جمله یمن عصر طاهریان (۸۵۸-۹۴۵ق)، بسیار مهم بوده‌است، چراکه در این دوران، کشور استعمارگر پرتغال، برای دستیابی به راه‌های دریایی جدید، در اختیار گرفتن مراکز تجاری مسلمانان و همچنین انحصار تجارت ادویه هند، به شرق و از جمله یمن روی کرده بود. در این زمان، امپراتوری عثمانی، که به‌نوعی پرچمدار اسلام در جهان به شمار می‌رفت، برای نجات شهرها و جزایر اسلامی هند، وارد یمن شد و با توجه به موقعیت تجاری و سوق‌الجیشی مهم این سرزمین، آن را در سال ۹۴۵ هجری تحت سلطه خود درآورد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع عربی، ترکی، و نسخه‌های خطی، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که علل حمله عثمانی‌ها به یمن چه بوده و اینکه حمله مذکور چه نتایج و پیامدهایی داشته‌است. نتایج بررسی حاکی از آن است که عثمانی‌ها برای مقابله با پرتغالی‌ها و همچنین تأمین امنیت شهرهای اسلامی مکه و مدینه، و البته با فریب و قتل سلطان مسلمان یمن، به‌صورت خیانتکارانه وارد یمن شدند. این حمله پیامدها و نتایج مختلفی، از جمله سلب اعتماد عمومی نسبت به عثمانی‌ها، در پی داشت.

کلیدواژه‌ها: یمن، عثمانی‌ها، طاهریان، ممالیک، پرتغالی‌ها.

۱. مدرس گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. gh.firozjaini@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

مقدمه

یمن در جنوب غربی جزیره العرب واقع است و از شمال به سرزمین حجاز، از جنوب به خلیج عدن، دریای عرب، و اقیانوس هند، از مغرب به دریای سرخ، و از سمت شرق به دریای عمان محدود می‌شود. اهمیت و موقعیت استراتژیک و طبیعی این سرزمین، با بنادر تجاری بسیار مهمی چون عدن، مخا، شحر، و حدیده، از دیرباز موجب توجه کشورها و دولت‌ها به آن بوده‌است (حسینی، برگ ۶۰). در قرن دهم، سرزمین یمن شاهد اتفاقات مختلفی در حوزه سیاست‌های خارجی بود. در این دوران، یمن و حاکمان آن، از جمله طاهریان^۱، مواجه با دولت‌های خارجی عثمانی‌ها، ممالیک، و همچنین کشور استعمارگر پرتغال بودند که به طمع تسلط بر شاهراه‌های اصلی تجارت دریایی در قرون نُه و ده، یعنی بنادر سوق الجیشی عدن، مخا، و مکلا و همچنین، نزدیکی به سرزمین‌های اسلامی مکه و مدینه یا تسلط بر آن‌ها، به تصرف یمن چشم داشتند.

حمله عثمانی‌ها به یمن در ۹۲۱ و با اتحاد مملوکی‌ها آغاز شد. در این زمان،

۱. طاهریان از قبایل حمیر، در شهر جَبَن، از منطقه رداع، ساکن بودند (ابن الدبیع، *الفضل المزیّد*، ۱۲۱؛ شُلّی، ۱۶۲؛ فیصلی، ۱۲). تاریخ رسمی دولت بنوطاهر از سال ۸۵۸ هجری با حرکت مجاهد علی بن طاهر بن معوضه و برادرش، ظافر عامر از شهر رداع به سوی عدن آغاز می‌شود (ابن الدبیع، *قره العیون*، ۴۰۵-۴۰۶؛ همو، *الفضل المزیّد*، ۱۲۱). با کشته شدن ملک‌ظافر در سال ۸۷۱، ملک‌مجاهد به تنهایی حکومت یمن را به دست گرفت (همان، ۱۳۵). بعد از مرگ ملک‌مجاهد نیز، ملک‌منصور به حکومت رسید (ابن الدبیع، *قره العیون*، ۴۲۳). فرزند او، ملک‌عامر بن عبدالوهاب، ملقب به ظافر دوم (۸۹۴-۹۲۳)، بزرگ‌ترین پادشاه دولت طاهری محسوب می‌شود که حکومتش از دیگر حاکمان طاهری بیشتر بود. دولت طاهریان در زمان حکومت سلطان ظافر دوم به نهایت گستردگی‌اش رسید. ظافر دوم توانست بر تمام یمن، از جنوب تا شمال، حکومت کند، ولی با پایانی تراژیک روبرو شد، چراکه با همه جلال و عظمت قلمرو فرمانروایی و با وجود وحدت و یکپارچگی و قدرت شگفتی که یمن در دوره او به آن دست یافته بود، همراه برادرش در سال ۹۲۳ به دست سربازان ممالیک مصر و عثمانی، که برای مقابله با پرتغالیان به سمت هند راهی بودند، در دروازه‌های شهر صنعا کشته شد (ابن شیبان، ۱۶۶). یمن با مرگ او، به مصیبتی دچار شد که قابل جبران نبود. دولت طاهری بعد از ظافر دوم، دچار آشوب سیاسی شد و از این رو، برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند که کشته شدن وی پایان دولت طاهری بوده‌است (حداد، ۸۴؛ محمد عبدالعال، ۵۴۱-۵۴۲). اما باید گفت که بعد از او، عده‌ای از پادشاهان ضعیف حکومت را در دست گرفتند که آخرین آن‌ها عامر بن داود بود که در ۹۴۵، به دست سلیمان پاشا، خادم فرمانده لشکر عثمانی، کشته شد (ابن‌مفضل، ۱۱؛ یحیی بن حسین، ۲۳۹؛ ایفانوف، ۱۳۱؛ برای مطالعه بیشتر درباره حکومت طاهریان یمن نک: سپهری و فیروزجانی ۱۳۹۵).



حکومت یمن در اختیار ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب (۸۹۴-۹۲۳)، از قدرتمندترین حاکمان طاهری، بوده‌است. حمله دوم نیز تقریباً از ۹۲۳ و همزمان با کشته شدن ملک ظافر و همچنین سقوط ممالیک به دست عثمانی‌ها آغاز شده که تا ۹۴۵ و سقوط طاهریان و قتل عامر بن داود، آخرین حاکم طاهری، تدریجاً ادامه داشت. در این جنگ‌ها، علاوه بر کمک نیروهای مصری و قبایل معارض دولت طاهری، باید از امامان زیدی یمن نیز یاد کرد که در این راه کمک بسیاری به عثمانی‌ها کردند. در این مقاله، به بررسی چگونگی حمله عثمانی‌ها به یمن و اتحاد گروه‌های مختلف با آنان در این حملات و نیز دلایل، نتایج، و پیامدهای آن‌ها پرداخته خواهد شد.

درباره ضرورت تحقیق حاضر می‌توان گفت یمن، در طول تاریخ، با توجه به استقرارش در موقعیتی سوق‌الجیشی و حساس، از لحاظ سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، و مذهبی اهمیت ویژه‌ای داشته و همچنین نقطه مهمی در مسیر ارتباطی با سرزمین‌های ایران، هند، عربستان، و آفریقا بوده و اهمیتش را در سده‌های نهم و دهم نیز، که مصادف با ظهور پدیده استعمار بود، حفظ کرد. پژوهش حاضر و نتایج آن می‌تواند در شناخت بهتر و بیشتر تاریخ یمن، به عنوان یکی از مناطق مهم جهان اسلام، یاری کند. در باب پیشینه پژوهش نیز باید افزود که به رغم اهمیت یمن در این دوران، پژوهش منسجم و مستقلى با این موضوع و تمرکز بر آن انجام نشده و تنها در برخی منابع عربی و همچنین دو مقاله به این زبان، با نام‌های «تقریر سلیمان باشا الخادم حول اهمية عدن و كيفية سيطرة القوات العثمانية عليها» (از اسماعیل قاسم ثور) و «عدن بین مدافع البرتغالیين و ممالیک مصر» (از حسن شهاب مطالبی) مطالبی در این باره آمده‌است.

اتحاد مملوکی-عثمانی

قبل از حمله عثمانی‌ها، ممالیک مصر برای حمله به یمن از سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) درخواست کمک کردند. سلطان قانصوه غوری، برای ایجاد ناوگان جنگی بزرگش، امکاناتی از جمله چوب، سیصد توپ جنگی، سی هزار تیر، چهل قنطار (واحد وزن) باروت، دوهزار پارو، و همه آنچه در آن صنعت لازم بود، در بندر سوئز فراهم کرد

(سالم، ۹۴)؛ ناوگانی که ایجاد آن چندین سال طول کشید و سرانجام نیز، در آغاز سال ۹۲۱ به اتمام رسید. این سپاه، به فرماندهی سلمان رئیس، فرستادهٔ سلطان عثمانی، با هدف حمله به هند، از بندر سوئز در جمادی‌الاول ۹۲۱ حرکت کرد (همان، ۹۵؛ حسن سعید، ۱۶۵). هدف این حمله برقراری امنیت دریا‌های هند در مقابله با وجود و حضور نیروی استعمارگر پرتغالی بود، ولی در ادامه به تصرف یمن تغییر کرد. در سال ۹۱۹، زمانی که ممالیک با کمک عثمانی‌ها برای این حمله آماده می‌شدند، ملک‌عامر در زبید حضور داشت. چه بسا او در این سال، شاهد حضور ناوگان‌های پرتغالی‌ها در سواحل یمن بوده باشد (بامخرمه، ۵۶۶/۶-۵۶۸). به محض آنکه ناوها بادیان‌های خود را در بندرهای یمنی باز کردند، ظافر (در رمضان ۹۲۰) به سمت صنعا حرکت کرد، درحالی‌که تعدادی از مشایخ و بزرگان قبایل یمنی او را همراهی می‌کردند (همان، ۵۶۹-۵۷۰). هنگامی که شیخ عبدالوهاب از ورود متفقان (ممالیک و عثمانی‌ها) به کَمران آگاهی یافت، این خبر را به پدرش رساند. او نیز دستورهای خود را به فرزند و نایب خود در زبید فرستاد و او را به احتیاط، مراقبت، هوشیاری و پرهیز از ارسال هرگونه مواد غذایی از زبید به حجاز هشدار داد تا مبادا به دست دشمن بیفتند (ابن‌دبیع، *الفضل المزیّد*، ۳۵۸). همان‌طور که ذکر شد، هدف اولیهٔ ممالیک و عثمانی‌ها، حمله به هند و مبارزه با پرتغالی‌ها بود، ولی با توجه به مکاتباتی که حسین کردی (فرماندهٔ ممالیک) از کَمران با امام یحیی زیدی داشت، می‌توان از نیت و اندیشهٔ آنان برای حمله به یمن پرده برداشت. منابع زیدیه نیز به این مکاتبات اشاره کرده‌اند (ابن‌لطف‌الله، برگ ۱۱ب-۱۲آ؛ یحیی بن حسین، ۶۴۲-۶۴۳). در این زمان، امام یحیی از نیرومندترین قدرت‌های سیاسی مخالف دولت طاهری و رأس آن، ملک‌ظافر عامر، بود که دولت زیدیه را شکست داده و آن‌ها را در منطقه حَجّه محاصره کرده بود. وجود گروه متفقان در آب‌های منطقه‌ای یمن کمکی برای نیروهای زیدیه برای رهایی از دست ملک‌ظافر بود. بنابراین، باید مکاتبات میان آنان را مقدمه‌ای برای همکاری بین دو طرف علیه دولت طاهری تلقی کرد. از این‌رو، امام زیدی برای برافروختن بیشتر آتش جنگ میان دولت طاهری و ممالیک، علیه طاهریان، اقداماتی این‌چنینی صورت داد:

۱- مبارزه با اهل بیت و امامان زیدی. ملک‌ظافر بسیاری از امامان زیدی یمن و

شهرهای آن را آواره کرد و بسیاری را نیز در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها به قتل رساند.

- ۲- **مخالفت با خاندان اهل بیت در حجاز.** حاکمان طاهری بر آن بودند به حرمین شریفین برسند تا اهل بیت ساکن در آنجا را ریشه‌کن کنند (ابن لطف‌الله، برگ ۱۲ آ-ب).
- ۳- **سازش و همکاری طاهریان با کفار پرتغالی.** طاهریان در برابر حمله نیروی استعماری پرتغال مقاومتی نکردند و نماینده طاهریان در عدن، یعنی مرجان ظافری، نامه‌ها و هدایایی با پرتغالی‌ها ردوبدل کرد (همان، برگ ۱۲ ب؛ سالم، ۸۴). منابع اشاره می‌کنند که در ادامه نیز ظافر، با آگاهی از اخبار متفقان (عثمانی‌ها، ممالیک، و زیدیان) به مقرانه بازگشت و پسرش، شیخ‌احمد بن عامر، را بر صنعا حکومت داد تا امور آنجا را سازماندهی و خرابی آن را بازسازی کند (بامخرمه، ۵۸۴/۶). سرانجام نیروهای متفقان سرملک‌ظافر را، بعد از زدوخوردهای فراوان در صنعاء و منطقه ذَمَرَمَر روز جمعه، ۲۵ ربیع‌الأول ۹۲۳، قطع کردند (همان‌جا؛ ابن‌دیبع، *الفضل المزیّد*، ۳۷۰؛ یحیی بن حسین، ۶۵۱؛ ابن‌لطف‌الله، برگ ۱۹؛ شلی، ۱۶۷-۱۶۸؛ ابن‌فهد، ۷۴۸/۱-۷۴۹).

نخستین حمله مستقیم عثمانی‌ها به یمن

با تشدید فشارهای نیروی استعمارگر پرتغالی بر یمن، که خطری مستقیم برای بازرگانی در اقیانوس هند و ورودی دریای سرخ و در پی تسلط بر مکه و مدینه و تخریب آثار دینی بودند، دولت عثمانی جنگ‌های خود را در مناطق اسلامی، پس از سقوط دولت ممالیک، آغاز کرده و به همین منظور، چندین سپاه را به یمن فرستاده بود. همان‌طور که ذکر شد، محرک و علت اصلی این حمله حمایت و پشتیبانی از حکام مسلمان هندی بود که هنگام تشدید خطر پرتغالی‌ها در هند، از سلطان سلیمان قانونی کمک خواسته بودند (سالم، ۱۵۹). اما بعد از مرگ ملک‌ظافر و سقوط ممالیک مصر در ۹۲۲ به‌دست عثمانی‌ها، یمن دچار ضعف و انحطاط شد و بعد از آن، حاکمان قدرتمندی از دولت طاهری روی کار نیامدند و این دولت در نزاع‌های داخلی، قبیله‌ای و همچنین، حملات مستقیم پرتغالی‌ها رو به زوال رفت. بدیهی است که عثمانی‌ها به‌خاطر موقعیت ممتاز یمن و اشراف آن بر تنگه باب‌المندب، خطر پرتغالی‌ها را بهانه خوبی برای حمله به یمن و سیطره بر آن یافتند. در این زمان، حاکم طاهری،

ملک عبدالملک بن محمد (۹۲۶-۹۳۳)، که در مقرانه به سر می‌برد، برای تأمین بودجه جنگی به عدن حرکت کرد و در اوایل ربیع‌الاول ۹۳۰ به آنجا رسید (ابن‌دیبع، *الفضل المزید*، ۳۷۶). بلعفیر علت واقعی حرکت عبدالملک طاهری به سمت عدن را آغاز فعالیت دریایی عثمانیان در دریای سرخ دانسته‌است (بلعفیر، ۲۴۸-۲۴۹). این دیدگاه قابل تأیید است، چراکه در این زمان، سلمان رومی به بندر حدیده و زبید رسیده بود و هنگامی که ملک عبدالملک از ورود او آگاه شد، با کمک سربازانی از قبیله مهره به بازسازی و تجدید استحکامات شهر و سازماندهی نیروهای خود در عدن اقدام کرد (ابن‌دیبع، *الفضل المزید*، ۳۷۷). این حمله، اولین تهاجم مستقیم عثمانیان به یمن به شمار می‌رود (سالم، ۱۴۹). در اواخر سال ۹۳۴، حملات عثمانیان با فرماندهی مصطفی رومی (مصطفی بیرم) وارد مرحله جدیدی شد (نهروالی، ۵۳-۵۴؛ بافقیه، ۱۸۹؛ سالم، ۱۵۱؛ شهاب، «عدن بین مدافع البرتغالیین و ممالیک مصر»، ۴۴). وی توانست اختلافات و درگیری‌های فرماندهان را به نفع خود پایان دهد و خود را برای رفتن به یمن و تصرف مهم‌ترین بندر آن، یعنی عدن، با این دلایل آماده کند:

۱- نقض عهد توسط اهالی عدن که با فرستاده سلطان سلیمان قانونی پیمان صلح بسته بودند.

۲- رسیدن شیخ عامر بن داود به عدن و تصرف آن.

۳- استمداد و یاری‌طلبی برخی بزرگان عدن، مانند امیر عبدالصمد بن اسماعیل، از عثمانیان (بافقیه، ۱۸۵-۱۹۰).

عثمانیان حمله به یمن و بنادر مهم آن را در ۹۳۴ تدارک دیدند و به تجهیزات زیادی مسلح شدند تا بتوانند در تصرف این سرزمین موفق باشند. آنان سلطه بر یمن را از بندر تجاری و سوق‌الجیشی عدن، که مرکز فعالیت‌های تجاری، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی بوده‌است، آغاز کردند. این حمله به دو بخش دریایی و زمینی تقسیم می‌شد. نیروهای زمینی از طریق کوه‌ها به سمت عدن حرکت کردند و روز ۱۵ ذی‌القعدة ۹۳۵ به منطقه صاده در صحرای عدن رسیدند (همان، ۱۹۰). این نیروها از برخی قبایل بدوی مخالف طاهریان چون طوالق، نیز کمک گرفتند (همان‌جا). مصطفی بیرم، که نیروهای دریایی را رهبری می‌کرد، در ۱۵ ذی‌القعدة، پیش از نیروی زمینی، به عدن رسید و آن را

در محاصره دریایی قرار داد. داخل شهر عدن، عثمانیان موفق شدند برای خود پیروان و طرفدارانی به دست بیاورند، اما ملک‌عامر موفق شد از دست مخالفان حکومت خلاص شود و از تلاش‌ها و اقدامات آنان برای کمک به عثمانیان پرده بردارد. سپس امیرعبدالصمد و افرادی از اهالی شهر را دستگیر کرد و افسران و محافظان قلعه‌ها را تغییر داد و بردگان، خدمتگزاران، و اطرافیان خود را به جای آن‌ها گذاشت (همان‌جا). به این طریق، وی موفق شد از دشمنان خود رهایی یابد و با خیال آسوده از شهر دفاع کند. این محاصره ادامه یافت و از نُه ذی‌الحجه ۹۳۵ تا ۱۷ ربیع‌الآخر ۹۳۶، یعنی بیش از پنج ماه، طول کشید. در نتیجه این محاصره، بحران اقتصادی بزرگی در داخل شهر به وجود آمد که به علت آن، قیمت‌های برخی از مواد غذایی اصلی، چون نان و حبوبات، رقم‌های نجومی پیدا کردند (همان‌جا). افزایش قیمت به شیوع قحطی در شهر و تلف شدن بسیاری از ساکنان نیز منجر شد. حتی قحطی و گرسنگی آن‌ها را به خوردن گوشت مردار واداشت (همان، ۱۹۰-۱۹۳). باین‌همه، ساکنان عدن با دلیری در مقابل این بحران ایستادگی کردند. هنگامی که عثمانیان از سختی و رنج مردم شهر آگاه شدند، محاصره را به پیشروی به طرف ورودی واقع در دیوار شهر تغییر دادند و تلاش کردند آن را با گلوله توپ ویران کنند. گروهی می‌خواستند از راه کوهستان وارد شهر شوند، اما سختی و ناهمواری راه آن‌ها را به هلاک کشاند (همان، ۱۹۳). این جنگ جز شکست برای عثمانیان حاصلی نداشت.

حمله خادم سلیمان پاشا و سقوط یمن

با توجه به اینکه حمله‌های پیشین نتیجه مثبتی برای عثمانی‌ها نداشت و هم اینکه پرتغالی‌ها نیز قدرت بیشتری یافته بودند، خادم سلیمان پاشا در ۱۵ محرم ۹۴۵، با هشتاد کشتی و به همراه بیست هزار سرباز عرب و هفت هزار سرباز ینی‌چری از بندر سوئز حرکت کرد. حتی به گفته برخی مورخان، تعداد سربازان این حمله بیش از صد هزار نفر بوده است (ملیباری، ۳۹؛ اباطة، ۲۲؛ صولاق‌زاده، ۵۰۰؛ Erhan, 38/97; Uzunçarşılı, 2/393). این حمله در پی درخواست کمک بهادرشاه، حاکم گجرات، که از هر دو سمت خشکی و دریا مورد تعرض پرتغالی‌ها و بابریان (نیروهای همایون، پسر بابر) قرار

گرفته بود، صورت گرفته است (ibid, 2/391-392). بنابراین باید گفت هدف اولیه عثمانی‌ها فتح یمن نبود، ولی خادم سلیمان‌پاشا، همانند سلمان رئیس، که در ۹۲۱ به جنگ پرتغالی‌ها در اقیانوس هند می‌رفت، ابتدا به یمن و بندر عدن حمله و پس از تسخیر آن، به سمت هند حرکت کرد. سلیمان‌پاشا با حرکت به سمت عدن، نخستین عملیات اجرایی برای به دست گرفتن دروازه و دهانه دریای سرخ را آغاز کرد (ibid, 2/393). هنگامی که لشکر عثمانی به جزیره کَمران^۱ رسید، فرمانده آن با ملک‌عامر بن داود و سلطان‌بدر ابوطویرق، حاکم حضرموت، مکاتبه کرد تا آن‌ها را از اهداف حمله آگاه کند و از آن‌ها بخواهد تا تحت فرمان دولت عثمانی قرار بگیرند. این نامه‌ها با هدایایی از طرف سلیمان‌پاشا فرستاده شد. سلطان‌بدر ابوطویرق به فرمانبرداری از دولت عثمانی سر سپرد و در مسجد شهر، خطبه به نام سلطان عثمانی خواند و حتی سکه به نام او ضرب کرد (ثور، ۴۳۸؛ سالم، ۱۵۹؛ جعیدی، ۲۷۸-۲۷۹؛ بافقیه، ۲۴۵؛ صولاق‌زاده، ۵۰۰). اما ملک‌عامر با فرستاده عثمانی ملاقات نکرد و تنها برخی از یاران خود را برای دادن هدایایی نزد پاشا فرستاد (سالم، ۱۵۹). می‌توان این موضع‌گیری ملک‌عامر را به آگاهی و شناخت او از طمع‌ها و خواسته‌های سلیمان‌پاشا در اشغال عدن و نابودی دولت طاهری و سقوط یمن دانست. این مخالفت او موجب تکرار مکاتبات سلیمان‌پاشا با حاکم طاهری شد و این بار سلیمان‌پاشا، فرهادپاشا را همراه نشان پادشاهی برای به دست آوردن دل عامر، با سه قایق فرستاد، اما ملک‌عامر دروازه‌های شهر را بست. فرهادپاشا تمام تلاش خود را در گفتگو با ملک‌عامر صرف کرد و در مذاکره، به حاکم وعده داد تا به او تعرضی نشود (ثور، ۴۳۹). تا سرانجام ملک‌عامر از طرف خود چهار نفر از بزرگان شهر را نزد سلیمان‌پاشا فرستاد و هدایایی پیشکش کرد، ولی پاشا آن‌ها را به سلطان بازگرداند تا او را به ملاقات راضی کند (همان، ۴۳۹-۴۴۰). در گزارش‌ها دیده می‌شود که سلیمان‌پاشا به آمدن ملک‌عامر اصرار و تمایل داشت تا در نتیجه آن بتواند بانیرنگ از دست او خلاص شود. اما عامر به توطئه علیه خود پی برد و با

۱. جزیره کَمران از ثروت‌های طبیعی فراوانی برخوردار بود؛ ده‌ها نوع از پرندگان رنگی در آن وجود داشت و با انواع حیوانات صحرایی، چون آهو، گورخر، و بز پر شده بود. این جزیره آب آشامیدنی گوارا، گوشت لذیذ حیوانات اهلی و وحشی، و همچنین بهترین نوع نمک را داشت (مقحفی، ۱۳۵۲/۲؛ فارتیما، ۶۶).



عذر تراشی، بهانه آورد که بیماری اجازه خروج به سمت دریا به او نمی دهد. اما اصرار فرمانده عثمانی و وعده های مکرر او به تأمین امنیت و آرامش، سرانجام ملک را به خروج وادار کرد (همان جا؛ 2/393). (Uzunçarşılı).

عثمانی ها برای فریب شیخ عامر تمام تلاش خود را به کار بستند، چنان که به برپایی مراسم استقبال از شیخ عامر و همراهانش تظاهر کردند و هنگام سوار شدن سلطان به قایق، پرچم ها را برافراشتند و بعد از ورود شیخ به کشتی نیز توپ شلیک کردند (ثور، ۴۳۹). اما زمانی که ملک عامر به کشتی رسید، نیروهای عثمانی پرچم دولت خود را بر دروازه های شهر برافراشتند و به غارت و چپاول عدن پرداختند. هنگامی که سلیمان پاشا از ورود لشکر خود به شهر اطمینان حاصل کرد، شیخ عامر و شش همراه او را اسیر کرد و دستور داد آن ها را دار بزنند و جسدشان را سه روز از دکل کشتی آویزان کنند (نهروالی، ۸۰؛ کبسی، ۲۳۷؛ بافقیه، ۲۳۵؛ بطریق، ۲۵؛ ایفانوف، ۱۳۱؛ یحیی بن حسین، ۶۸۴). تصرف عدن در ۱۲ ربیع الأول ۹۴۵ صورت گرفت. سلیمان پاشا هنگام ورود خود به شهر، سربازان را از تجاوز و تعدی به اموال مردم منع و دستور بازگرداندن اموال غارت شده را صادر کرد و بهرام بیگ را به سنجق بیگی و حاکمیت شهر گماشت (نهروالی، ۸۰-۸۱؛ ثور، ۴۴۰؛ صولاق زاده، ۵۰۰؛ idem؛ Uzunçarşılı).

اقدام خائفانه و خیانتکارانه سلیمان در مواجهه با حاکم عدن در منابع توجیه شده است و سلیمان پاشا نیز در گزارش های خود، این اقدام را، به این دلیل که تصرف بدون جنگ شهر را در پی داشته، از حسن تدبیرها و سیاست های خود به شمار آورده است (ثور، ۴۴۰). در هر حال، این اقدام به زوال دولت طاهریان و انتقال یمن به مرحله جدیدی از تاریخ خود منجر شد. از سال ۹۴۵، یمن حضور دولت عثمانی را رسماً پذیرفت، به طوری که نیروهای عثمانی جایگزین تمام نیروهای داخلی آن شدند و در پی این ها، بسیاری از ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی یمن تغییر کرد.^۱

۱. درباره دوران حکومت عثمانی ها بر یمن به کتاب *الحکم العثماني فی الیمن*، از فاروق عثمان اباطه، مراجعه فرمایید.

دلایل حمله

عثمانی‌ها، به علت موقعیت ممتاز یمن و اشراف آن بر تنگه باب المَندَب، خطر پرتغالی‌ها را بهانه‌ای برای حمله و سیطره بر یمن قرار دادند. دلایل زیادی برای تغییر هدف حمله به این سرزمین قابل‌ارائه‌اند؛ از آن جمله، عدم توانایی و کفایت سلطان یمن (عامر بن عبدالوهاب طاهری) در مقابله با حمله پرتغالی‌ها بود و همچنین سیاست‌های دوستانه حاکم عدن (ملک‌عامر بن داود) در قبال پرتغالی‌ها. بنا به این‌ها، نیروهای مملوکی-عثمانی به تصرف یمن برانگیخته شدند و با تسلط بر آن، یمن را پایگاهی برای جهاد و مبارزه با پرتغالی‌ها قرار دادند. دیگر آنکه پرتغالی‌ها قصد داشتند با تصرف عدن و سلطه بر تنگه باب المَندَب، از نفوذ سیاسی و دینی و بازرگانی مسلمانان بر منطقه بکاهند و بر آنان فشار آورند و نابودشان کنند. از نظر پرتغالی‌ها، برای رسیدن به این مقصود، نه تنها می‌بایست یمن تصرف شود، بلکه مکه و مدینه نیز باید ویران می‌شد، چراکه تصرف اماکن مقدس مسلمانان زمینه‌ساز و مقدمه تسلط بر مسلمانان بود (مشکور، ۲۱). عثمانی‌ها هم برای مقابله با این سیاست پرتغالی‌ها به یمن حمله کردند. اگرچه به گفته محمدتقی امامی خویی، هرچند عثمانی‌ها مسلمان بودند، در تصرف یمن به دست آنان، اهداف دینی و مذهبی‌چندانی نمی‌توان متصور شد و به‌ویژه منافع فراوان اقتصادی و موقعیت تجاری و سیاسی یمن همه و از جمله عثمانی‌ها را به تصرفش برمی‌انگیخت. افزون‌براین، حاکمیت بر شهرهای مکه و مدینه، که مراکز اصلی جهان اسلام محسوب می‌شدند، لازمه مشروعیت خلافت عثمانی بود که از طریق سلطه بر یمن امکان‌پذیر می‌شد. دیگر اینکه یمن برخوردار از موقعیتی سوق‌الجیشی بود و با بنادر باارزشی چون عدن، مخا، و حدیده، نبض بازرگانی در شاه‌راه اقتصادی دریای سرخ را در اختیار داشت. این‌همه نیز با حضور پرتغالی‌ها در دریای سرخ تهدید می‌شد و از این رو بود که سلیمان‌پادشا، با دستور سلطان عثمانی، به یمن حمله کرد.

نتایج و پیامدهای حمله

مهم‌ترین پیامدهای حمله عثمانی‌ها به یمن، که از بندر تجاری و سوق‌الجیشی عدن آغاز شده بود، عبارت بودند از:

۱. سوءظن مردم هند به عثمانی ها و از بین رفتن حس اعتمادشان به آنها. همان طور که ذکر شد، سلیمان پاشا ابتدا به عامر بن داود و همراهان او مصونیت کامل داده بود، ولی آنان را در کشتی دستگیر کرد و بعد از تصرف شهر، به دار آویخت. بعد از این اقدام سلیمان پاشا، شهرت و آوازه او تیره شد؛ به گفته نهروالی، از تاریخ نویسان رسمی دولت عثمانی، «خبر فریب حاکم عدن از سوی سلیمان پاشا در همه جا پیچید و هنگامی که به مردم هند رسید، از او متنفّر شدند و این دلیلی بر یاری نکردنش در جنگ با پرتغالی ها بود» (نهروالی، ۸۱).

سلیمان پاشا تلاش کرد اقدام خیانت آمیز خویش را از مقامات عثمانی در استانبول پنهان کند و در نامه خود به سلطان سلیمان قانونی نیز بیان کرد که عدن را با اجبار و زور فتح کرده است. اما سلطان عثمانی از چگونگی تسلط پاشا بر عدن آگاهی یافت و با این حال، اقدامی علیه او نکرد. به همین دلیل آنان اعتماد ساکنان یمن و متعاقب آن، فرصت ایجاد جبهه ای اسلامی برای جنگ با تهاجم پرتغالی ها را در دریاهای عربی و اقیانوس هند از دست دادند (همان، ۱۰۱؛ سالم، ۱۶۲).

۲. مشکلات فراوان بهرام پاشا. سلیمان پاشا، بعد از قتل ملک عامر بن داود، بهرام پاشا را به اداره عدن منصوب کرده بود (ثور، ۴۴۰). اما وی با مشکلات زیادی در عدن و مناطق اطراف روبه رو شد، چراکه قبایل یمنی بسیاری راضی به حکومت عثمانی ها و والیان آن در یمن نبودند؛ قبایلی که به حکومت طاهریان نیز رضایت نمی دادند و دائماً با آنان در منازعه و جنگ به سر می بردند. این واکنش ها و احساسات ساکنان یمن را می توان به دلیل کشتن خائفانه ملک عامر، و نیز برخی رفتارهای غارتگرانه سربازان ترک هنگام تصرف یمن دانست. چنین واکنش هایی طبعاً اداره شهر و ادامه کار را برای والیان عثمانی سخت می ساخت.

۳. از دست رفتن استقلال مناطق طاهری یمن. عثمانی ها نهادهای اجتماعی و بنیادهای شهری تابع دستوره های حکومت طاهری را از بین بردند و دارایی های خانواده های حاکمان پیشین را مصادره کردند. زمین ها و دیگر منابع درآمدی را به دفتر حکومتی منتقل و در تمام مالیات های گذشته بازنگری کردند. نظام حکومت عثمانی اخذ مالیات و مطالبه عوارض گمرکی از بنادر تجاری یمن را به دنبال داشت (ایفانوف،

۱۳۳). با تغییر سیستم اداری، یمن مستقیماً تحت‌الحمایهٔ باب عالی شد.

۴. شکست عثمانی‌ها در هند. عثمانی‌ها، بعد از سلطه بر شهرهای مهم یمن به فرماندهی سلیمان پاشا، برای مقابله با زیاده‌روی‌های پرتغالی‌ها به سمت هند حرکت کردند، اما حملهٔ آنان بدون حصول دستاورد قابل‌ذکری، به شکست انجامید. دلیل این شکست را می‌توان در تضعیف شخصیت انسانی و سیاسی سلیمان پاشا و عدم اتحاد جبهه‌های هندی و اسلامی جست‌وجو کرد. در پی این شکست، سلیمان پاشا عقب‌نشینی کرد و به‌سوی سواحل یمن بازپس نشست. وی علت بازگشت و شکستش در هند را نرسیدن خواروبار و کمک مسلمانان هند ذکر کرد. حتی حاکم مسلمان گجرات نیز ترجیح داد ارتباط و همکاری‌اش با سلیمان پاشا صرفاً از طریق نامه‌نگاری باشد (سالم، ۱۶۲-۱۶۴؛ شهاب، «عدن بین مدافع البرتغالیین و ممالیک مصر»، ۲۲۴-۲۲۷).

۵. آگاهی سلطان عثمانی از خیانت سلیمان پاشا و طرد او. بعد از آنکه سلیمان پاشای شکست‌خورده از هند به یمن بازگشت، قبل از شرفیابی به محضر سلطان سلیمان قانونی در استانبول، نامه‌ای برای پیشگیری از خشم و اندوه سلطان به این مضمون برای او نوشت: همهٔ شهرها و بنادر مهم یمن، از جمله عدن، زبید، و شحر را تصاحب کرده‌ایم و همچنین، هند را از پرتغالی‌ها بازپس گرفته‌ایم و فرنگیان را تارومار کرده‌ایم و بنادرشان را گرفته‌ایم، چنان‌که از آن‌ها جز گروهی کوچک و ضعیف باقی نمانده‌است. نیز ثروت‌های بنادر و مالیات‌ها و عوارض آن‌ها را به‌ارمغان عاید استانبول کرده‌ایم. اما این سخنان او، با رسیدن کشتی‌های پرتغالی‌ها به بندر سوئز و وحشت ساکنان مصر از آن‌ها، نتیجهٔ مطلوب وی را به‌دنبال نداشت، چراکه سلطان او را به‌خاطر کشتن ملک‌عامر بن داود به‌شدت سرزنش کرد و به او گفت که حق کشتن سلطان سرزمینی اسلامی را نداشته و اگر خطایی بوده، باید او را نزد سلطان می‌فرستاده‌است. گفته‌اند که سلیمان پاشا به‌ناچار از استانبول گریخته یا به‌روایتی، به‌دستور سلطان، کشته شده‌است (شهاب، همان، ۲۲۸؛ موزعی، ۲۶-۲۷). این عاقبت فرماندهی بود که از دروغ و نیرنگ پرهیز نمی‌کرد و حتی با فریب سلطان، از سوی او و با لقب فاتح جزایر عربی نیز، مورد استقبال قرار گرفت (ایفانوف، ۱۳۲).

۶. تسلط زیدیان بر قلعه‌ها و شهرهای سرزمین‌های شمال یمن. امام متوکل علی‌الله، یحیی بن شرف‌الدین^۱ و فرزندش، مطهر، بعد از کشته شدن عامر بن داود و حرکت خادم سلیمان پاشا به سوی هند و همچنین در نبود رهبری قدرتمند در یمن، بر سرزمین‌های مختلف یمن و قلاع آن تسلط یافتند (عبدالفتاح محمد بتول، ۲۰۴-۲۰۵).

۷. سلطه عثمانی‌ها بر سواحل یمن. سیدمصطفی سالم از چیرگی و غلبه عثمانی‌ها بر یمن با عنوان فتح یاد کرده است (سالم، ۱۶۸-۱۶۹) و تحت سلطه درآمدن سواحل تجاری و اقتصادی یمن و از دست رفتن تنگه باب المندب و بنادر مهم آن را از بارزترین نتایج حمله عثمانی‌ها به یمن و غلبه بر این سرزمین مهم و سوق الجیشی، که مورد طمع کشور استعمارگر پرتغال هم قرار داشت، دانسته است (همان، ۱۶۰-۱۶۱).

۸. تأمین امنیت سیاسی، دینی، و اقتصادی سرزمین‌های مقدس. فتح هند توسط آلبوکرک پرتغالی تسلط مسلمانان بر راه‌های دریانوردی مناطق شبه جزیره عربستان و یمن و همچنین، امنیت مسلمانان شهرهای مقدس مکه و مدینه را مورد تهدید قرار داد (محمد عبدالعال، ۴۸۶). نتایج این فتح و عواید حاصل از آن پرتغالی‌ها را شگفت‌زده کرد. به همین دلیل، آن‌ها تنها به این اکتفا نکردند، بلکه بر آن شدند تا تجارت شرق را کاملاً به دست بگیرند و منابع اصلی آن را از آن خود و مراکز نظامی مختلفی در طول سواحل اقیانوس هند بر پا کنند (سالم، ۶۶؛ سلمان، ۵۱-۵۳). از این‌رو، از ۹۰۴ با این حرص و طمع، تصرف این خط دریایی و بندرهای چون عدن و شهر تجاری جدّه، که در مسیرش قرار داشتند، را آغاز کردند (شنبل، ۲۱۶). می‌توان گفت نقشه آلبوکرک کاملاً دقیق و صحیح بود، چراکه با تصرف عدن، بر باب المندب چیره می‌شد و با این نقشه، علاوه بر تهدید و تضعیف مکه و مصر، می‌توانست نفوذ اروپاییان رقیب را در منطقه تحت کنترل خود درآورد (الهی، ۳۱). از این‌جهات، بعد از ناتوانی حاکمان یمن در دفع حمله پرتغالی‌ها و حتی برقراری صلح و ارسال هدایا برای آنان، عثمانی‌ها برای امنیت بخشیدن به راه‌های تجاری و مهار قدرت اقتصادی منطقه و همچنین دفاع از

۱. المتوکل علی‌الله، یحیی بن شرف‌الدین، در ۹۱۲ به امامت رسید. وی با ملک‌ظافر، عامر بن عبدالوهاب و همین‌طور عثمانی‌ها، جنگ‌های بسیاری داشته است. او تا ۹۵۲ بر صناعا حکومت کرد و سرانجام در ۹۶۵، توسط عثمانی‌ها دستگیر شد و در زندان شهر استانبول وفات یافت (نک: هالم، ۳۶۲).

مکان‌های مقدس، به یمن حمله کردند.

نتیجه

در سده‌های نهم و دهم هجری، با رونق فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در سرزمین یمن و با تجربه حاکمان وقت آن، از جمله طاهریان، در زمینه تجارت، شاهد رونق و شکوفایی این سرزمینیم. به این دلایل و نیز به سبب نقش سوق الجیشی یمن و بنادر و شهرهای مهم آن در تحولات اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی، این سرزمین مورد طمع کشورها و دولت‌های استعمارگر، از جمله پرتغال و عثمانی‌ها و ممالیک قرار گرفته بود. در ارزیابی کلی، می‌توان گفت حمله و ورود عثمانی‌ها به یمن و تصرف بنادر و شهرهای آن حاصل تلفیقی از انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، و دینی بوده است. در مرحله نخست حملات عثمانی‌ها، سلمان رومی، با هم‌پیمانی ممالیک مصر و به دستور سلطان عثمانی، برای کمک به مسلمانان هند از کانال سوئز به سمت هند حرکت کردند. عثمانی‌ها در این مرحله می‌خواستند با این فعالیت‌ها درخواست کمک ملت مسلمان هند را اجابت کنند، هرچند در ادامه، سرزمین حاصلخیز و تجاری یمن را نیز تصرف کردند. در این تصرفات، اهداف و انگیزه‌های اقتصادی نیز در کنار اهداف مذهبی و سیاسی برای ورود به یمن و آب‌های پیرامون آن و دستیابی به بنادر مهمش نقش داشت. در نتیجه، نباید از تأثیر مکتب اقتصادی مرکانتلیسم و برنامه‌های اقتصادی حاکم بر اروپای قرن نهم و دهم هجری، که عثمانی‌ها نیز از آن‌ها متأثر بودند، بر ورود عثمانیان به سرزمین اسلامی و کشتن حاکم مسلمان آن و تصاحب شهرهای اسلامی آن غافل ماند.

منابع

- اباطة، فاروق عثمان، *الحكم العثماني في اليمن، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٨٦*.
- ابن مفضل، محمد بن ابراهيم بن شرف الدين (د. ١٠٨٥)، *نسخة خطي السلوك الذهبية في خلاصة السيرة المتوكلية*، كتاب خاتمة دانشگاه تورنتو.
- ابن ديبع شيباني، عبدالرحمن بن علي، *قرة العيون باخبار اليمن الميمون*، چاپ محمد بن علي الاكوع الحوالي، صنعاء، مكتبة ابوذر غفاري، ١٩٨٨/١٤٠٩.
- همو، الفضل المزيدي *على بُعْية المستفيد في اخبار مدينة زبيد*، چاپ يوسف شلحد، صنعاء، مركز الدراسات والبحوث اليمنى و بيروت، دارالعودة، ١٩٨٣.
- ابن شيبان، احمد سالم، *الوجود المملوكي في اليمن (٩٢١-٩٤٥هـ)*، الشارقة، جامعة عدن: دار الثقافة العربية، ٢٠٠٢.
- ابن فهد، عمر بن محمد، *اتحاف الوري باخبار ام القري*، چاپ عبدالرحمن بن حسين ابوالخير، مطابع جامعة ام القري، ١٤٢٢.
- احمد ياغي، اسماعيل، *الدولة العثمانية في التاريخ الاسلامي الحديث*، رياض، مكتبة العبيكان، ١٤١٥.
- الهى، همايون، *خليج فارس و مسائل آن*، تهران، انديشه، ١٣٦٨ش.
- ابن لطف الله، عيسى بن شرف الدين (د. ١٠٤٨هـ)، *نسخة خطي روح الروح فيما جري بعد المائة التاسعة من الفتن و الفتوح*.
- ايفانوف، نيقولاى، *الفتح العثماني للاقطار العربييه ١٥١٦-١٥٧٤*، ترجمه يوسف عطاء الله، بيروت: دارالفارابي، الطبعة الاولى، ١٩٨٨.
- بافقيه، محمد بن عمر الطيب، *تاريخ الشجر و اخبار القرن العاشر*، تحقيق عبدالله الحبشى، صنعاء: مكتبة الارشاد، ١٩٩٩/١٤١٩.
- بامخرمة، ابو محمد عبدالله الطيب، *قلادة النحر في وفيات اعيان الدهر*، چاپ بوجمعه مكروى و خالد زوارى، جدّه، دار المنهاج، ٢٠٠٨/١٤٢٨.
- بطريق، عبدالحميد، *من تاريخ اليمن الحديث، ١٥١٧-١٨٤٠*، يمن، معهد البحوث و

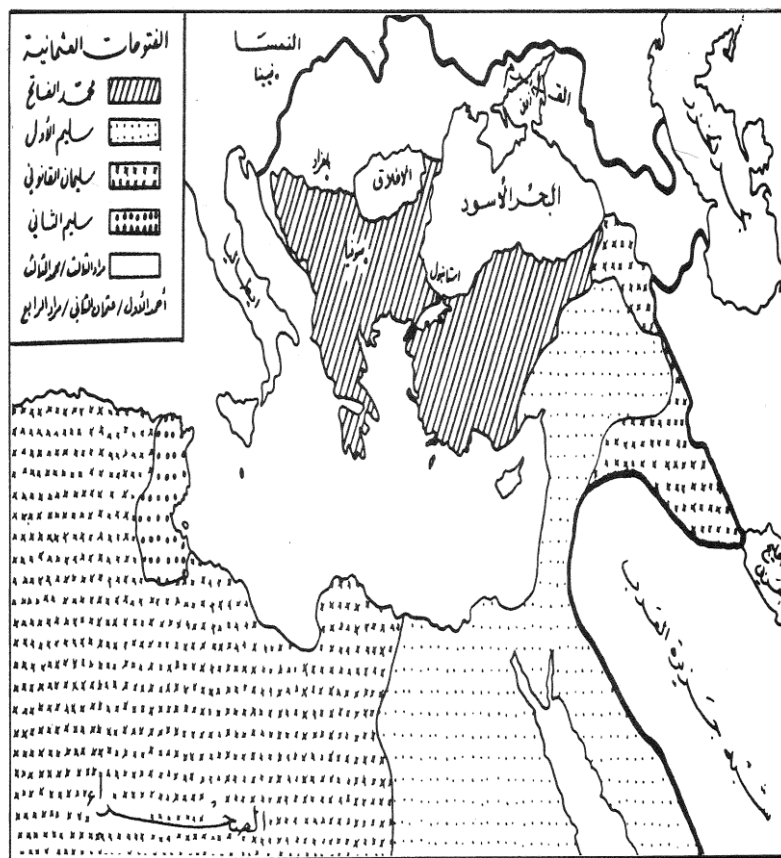
- الدراسات العربية، ۱۹۶۹.
- بلعفیر، محمد صالح، «العملة و التداول النقدي بَعْدَ في عصر الدولة الطاهرية»، سباء، ش. ۱۵-۱۴ (جمادی الآخر ۱۴۲۸/جولای ۲۰۰۷).
- ثور، اسماعیل قاسم، «تقرير سليمان باشا الخادم حول اهمية عدن و كيفية سيطرة القوات العثمانية عليها»، جامعة عدن: ندوة عدن بوابة اليمن الحضارية، ۱۸-۱۹ ژانویه ۲۰۱۱.
- جعیدی، عبدالله سعید سلیمان، «حضر موت و الاحتلال العثماني الاول لليمن»، سباء، ش. ۱۵-۱۴ (جمادی الآخر ۱۴۲۷/جولای ۲۰۰۷).
- حداد، محمد یحیی، تاریخ المین السیاسی، قاهره، دار وهدان، ۱۳۸۸.
- حسن سعید، حسین ابراهیم، «الصراع حول السيطرة على البحر الاحمر، العلاقات اليمنية المصرية في عصر سلاطين المماليك»، ندوة اليمن في عبر التاريخ، جامعة عدن، ۲۳-۲۵ سبتمبر ۱۹۸۹.
- حسینی، حسن بن علی شریف، ملخص الفطن و الألباب و مصباح الهدي للكتاب، نسخه خطی کتاب خانۀ آمبروزیانا، میلان (ارسال شده توسط استاد عبدالله منف از دانشگاه ملک فیصل).
- سالم، سید مصطفی، الفتح العثماني الاول لليمن، ۱۵۳۸-۱۶۳۵ م، قاهره، دار الامین للطباعة و النشر، ۱۹۹۹.
- سپهری، محمد و علی غلامی فیروزجائی، «کارکرد تجاری بندر عدن در دورۀ بنوطاهر»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ۶، ش. ۲۳ (پاییز ۱۳۹۵).
- سلمان، محمد حمید، الغزو البرتغالی للجنوب العربي و الخليج فی فترة ما بین ۱۵۰۷-۱۵۲۵، الامارات المتحدة العربی، مرکز زاید للتراث و التاريخ، ۲۰۰۰/۱۴۲۰.
- شلی، محمد، النساء الباهر بتکمیل النور السافر فی اخبار القرن العاشر، چاپ ابراهیم بن احمد مقحفی، یمن، مکتبۀ الارشاد، ۲۰۰۴/۱۴۲۵.
- شنبَل، احمد بن عبدالله، تاریخ حضر موت المعروف بتاريخ شنبَل، چاپ عبدالله محمد حبشی، یمن، مکتبه صنعاء الاثرية، ۲۰۰۳/۱۴۲۴.
- شهاب، حسن صالح، اضواء على تاريخ اليمن البحري، بیروت، دار الفارابی و عدن،



- لجنة الكتاب اليمني، ١٩٧٧.
- همو، «عدن بين مدافع البرتغاليين و ممالك مصر»، التراث، ش. ٤ (رجب و رمضان ١٤١٢).
- صولاقزاده، صولاقزاده تاريخي، استانبول، مطبعة محمودبك، ١٢٩٧.
- عبدالفتاح محمد بتول، خيوط الظلام عصر الامامة الزيدية في اليمن، صنعاء، مركز نشوان الحميري للدراسات و النشر، ١٤٢٨ / ٢٠٠٧.
- فارتيمما، لودفيكو، رحلات فارتيمما، ترجمه و تحقيق عبدالرحمن شيخ، قاهره، الهيئة المصرية للكتاب، ١٩٩٤.
- فيصل، محمد احمد مقل، تاريخ الدولة الطاهرية (١٥١-٩٤٥هـ)، صنعاء، الهيئة العامة للكتاب، ٢٠٠٥.
- كبسي، محمد بن اسماعيل، اللطائف السنية في اخبار الممالك اليمنية، چاپ ابوحنسان خالد ابايزيد، صنعاء، مكتبة الجيل الجديد، ١٤٢٦ / ٢٠٠٥.
- محمد عبدالعال، بنورسول و بنوطاهر و علاقات اليمن الخارجية في عهدهما، اسكندريه، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٨٠.
- مقحفي، ابراهيم احمد، معجم البلدان و القبائل اليمنية، صنعاء، دار الكلمة، ٢٠٠٢.
- مشكور، سالم، نزاعات الحدود في الخليج، بيروت، مركز الدراسات الاستراتيجية و البحوث و التوثيق، ١٩٩٣.
- مليباري، احمد زين الدين المعبري، تحفة المجاهدين في احوال البرتغاليين (البرتغاليين)، چاپ حكيم سيدشمس الله قادري، حيدرآباد، ١٩٣١.
- موزعي يمنى، شمس الدين عبدالصمد، دخول العثمانيين الاول الى اليمن المسمى الاحسان في دخول مملكة اليمن تحت ظل عدالة آل عثمان، چاپ عبدالله محمد حبشي، بيروت: منشورات المدينة، ١٤٠٧ / ١٩٨٦.
- نهروالي، قطب الدين محمد بن احمد، غزوات الجراكسة و الاتراك في جنوب الجزيرة المسمى البرق اليماني في فتح العثماني، رياض، منشورات دار اليمامة للبحث و الترجمة و النشر، ١٣٨٧.
- هالم، هاينس، تشيع، ترجمه محمدتقي اكبري، قم، نشر اديان، ١٣٨٩ ش.

- یحیی بن حسین، غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی، چاپ سعید عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیادة، قاهره، دار الكتاب العربی، ۱۳۸۸/۱۹۶۸.

- Erhan, Afyoncu, "SÜLEYMAN PAŞA, Hadım", *TÜRKİYE DİYANET VAKFI İSLAM ANSİKLOPEDİSİ*, İstanbul 2010.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, *Osmanlı Tarihi*, Ankara, RK Tarih Kurumu Basımevi, 1983.



مناطق فتح شده توسط عثمانی‌ها (از جمله یمن در دوره سلطان سلیمان قانونی. نک: احمد یاغی، ۳۰۹).